

جامعه مدنی و

قانونگرایی

(۳ جستار پیوسته)

یک قرائت ساده از جامعه مدنی

دکتر محمد قراگوزلو

ظهور انقلاب اسلامی با تمام ویژگیهای یگانه و فراز و نشیب‌هایش، دفاع مقدس ۸ ساله و دستاوردهای حیرت‌انگیزش، پدید آمدن نگرش جدید فرهنگی و نوعی ایمان اسلامی فراگیر که در فراگرد خود منحصر به تحولات اجتماعی خاصی در جامعه ایران گردیده است و بویژه حافظه تاریخی عمومی و آگاهیهای فردی را به گونه‌ای چشمگیر ارتقاء بخشیده است، در کنار رشد و توسعه شهرها و تشکیل کلانشهری همچون تهران و در نتیجه به میدان آمدن اقشار متوسط از يك سو و حجم روزافزون تلاطم ناشی از این تحولات از سوی دیگر، ضرورت طرح و تأسیس و تحکیم جامعه مدنی را پیش کشیده است. این که جامعه مدنی چگونه جامعه‌ای است، به چه سان شکل می‌گیرد، و اساس و ارکان آن کدام است، بحث تازه‌ای نیست، آنچه سبب تدوین این جستار گردیده، تبیین خصوصیات متعارف و کلان جامعه مدنی به منظور آگاهی جوانان از این مبحث - ظاهراً - جدید اجتماعی است.

جامعه مدنی بطور کلی مجموعه‌ای از ساختارها، سازه‌ها، قوانین و راهبردهای مدون است که بر مبنای اهدافی مغایر با بینش‌های سنتی، خرافی و بسته شکل گرفته است. در این جامعه، انسان گرچه موجودی ممتاز از کل هستی می‌باشد اما در ارتباط با دیگر اجزای جامعه تعریف می‌شود. انسان جامعه مدنی مسئولیت‌پذیر، صاحب‌نظر و پاسخگوی عمل است؛ آگاه و آزاد است و این پدیده‌ها به عنوان مرز جمع و جامعه از اراده و اختیار او نشأت می‌گیرد.

به بیان شفاف‌تر، انسان حاضر در جمع تابع اوضاع مشخصی از فراشدهای جبری است؛ در حالی که انسان صاحب اختیار و دارای اراده، خالق پدیده‌ها و ایده‌های جامعه و در تعامل با فرایندهای اجتماعی است.

به نظر هابس و لاک، جامعه مدنی حوزه‌ای آزاد بر محور فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی است که در حد فاصل شهر و دولت واقع شده است. به عقیده ژان ژاک روسو، جامعه مدنی نماد آزادی سیاسی است و قانونمندیهای آن به منظور حفظ آزادی‌های فردی در برابر حاکمیت دولت تدوین شده است.

کارل مارکس - بر خلاف هگل که جامعه مدنی را شکلی بالنده و پیشرو از جوامع انسانی تصویر می‌کرد - اساساً اعتقادی به جامعه مدنی نداشت و بر نقش مؤثر و تعیین کننده مواجهه و تقابل طبقات اجتماعی به شیوه آنتاگونیستی اصرار می‌ورزید و از جامعه مدنی مفهومی کاملاً مجرد و غیر قانونمند به دست می‌داد. طرح این مباحث و تاریخی کردن آنها تا آن ارسطاطالیس ممکن است این گمان را تقویت کند که جامعه مدنی دستاورد شریزانه و توطئه آمیزی از تفکر غربی است. اما الگو و ساختاری که طلوع اسلام و شکوفایی بذریه‌های مدنیت اسلامی از مدینه النبیه تا اندلس به وجود آورد، نه تنها بر اصالت جامعه مدنی اسلامی تأکید ورزید، بلکه سندی متقن از وجود تمدنی بزرگ، بالنده و پیشتاز بر دفتر عمر جهان ثبت کرد.

همه کسانی که با هر اس از ارتباط و تعامل جامعه امروزی ایران با آنسوی مرزها یاد می‌کنند، باید بدانند که تمدن سترگ اسلامی در آمیزش با فرهنگ و ایدئولوژیهای سالم عصر خود تحقق یافته است. در این باره توضیحی لازم است.

فرضیه: تمدن اسلامی با مشارکت مدنی ایرانیان، اندلسیان، صابیان و نسطوریان در مراجع و مراکز علمی و فرهنگی، بر پایه و مایه اصول انکار ناپذیر قرآن و سنت نبوی، از زاویه نوعی تساهل و انتخاب خردمندانه قوام گرفته است.

تبیین موضوع: بسیاری از فیلسوفان و دانشمندان مسلمان تصریح کرده‌اند که در ایران پیش از اسلام علوم عقلی رواج داشته و از اهمیتی خاص برخوردار بوده است. بی‌گمان آثاری از این علوم که به گفته صاعد اندلسی رایج‌ترین آنها پزشکی و نجوم بوده پس از ظهور اسلام نیز وجود داشته است. از گفته‌های ابن سینا چنین برمی‌آید که پیش از اسلام نوعی حکمت و فلسفه به گونه غیر یونانی در مشرق زمین وجود داشته است.^۲

مسعودی، آشنایی ایرانیان با آرای سقراط و افلاطون را به تفسیر روحانی مشهور عهد اردشیر بابکان نسبت داده است.^۳

آنچه شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی از آن بعنوان «آرای حکمای فلهوی» و «حکمت خسروانی» یاد کرده است، بی‌گمان چیزی جز آثار و عقاید حکمی دانشمندان ایرانی پیش از اسلام،

همچون جاماسف، فرشاوشر و بوذرجمهر نیست.^۴

یاقوت حموی نیز - همچون ابن ندیم - به تألیفات دانشمندان ایرانی پیش از اسلام - که عمدتاً در زمینه پزشکی و نجوم بوده - اشاره کرده است.^۵ از جمله مرکز اشاعه دانش و حکمت ایرانی - پیش از اسلام - مدرسه ایرانیان رها، مدرسه نصیبین، بیت اردشیر، ریو اردشیر، ریشهر قابل ذکر است.^۶ ستاد علوم پزشکی در ایران باستان، جندی شاپور بوده است، که توجه پزشکان حاذق و مشهور روزگار را به سوی خود جلب کرده و بتدریج، با ظهور بغداد به آن دیار منتقل شده است. از سوی دیگر، مسلم است که در نخستین سالهای ظهور اسلام، مسلمانان - و بویژه اعراب - بیشترین توجه را به علوم نقلی داشته اند. صاعد اندلسی و حاجی خلیفه، هر دو این نظر را تأیید کرده اند.^۷

پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) به استناد وحی و آیات صریحی چون، «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» و «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» مسلمانان را به آموختن علم - حتی اگر در چین باشد - فراخواند و ندای شنیدن اقوال مختلف، تحمل آرای دیگران، و گزینش بهترین عقاید را سرداد. در راستای این رهنمودهای روشن، فتوحات اعراب در سرزمین های متمدن از مدیترانه تا هند و آسیای مرکزی ارزش ها و غنائم علمی - فرهنگی بسیاری برای مسلمانان به همراه آورد. مسلمانان از همه سو به فرهنگ و تمدن غنی یونان - که اسکندر راه آن را هموار کرده بود - آثار ارزشمند اخلاقی بودایی و زرتشتی در هند و ایران دست یافتند؛ شهرهایی چون کوفه، بصره و بغداد به سرعت برپا شد و به صورت مراکز مهم گسترش علوم مختلف در آمد. شهر بصره به حیره که از مراکز بزرگ نسطوری به شمار می رفت نزدیک بود و همین باعث ایجاد ارتباط علمی - فرهنگی این دو شهر گردید. ارزش های بالنده نسطوری از ادسا (Edessa) و نصیبین به جندی شاپور و سپس به بغداد که در سال ۱۴۴ هـ. ق. بنا شد، منتقل گردید. اسلام از اندلس تا چین نفوذ یافت و در همه جا بر حسب استعداد و هوش و فطرت سکنه ممالک مفتوحه آنان را به تحصیل علوم برانگیخت. ایران و اندلس بیش از

همه سرزمینها در این راه پیش رفتند بطوری که بزرگ ترین علمای اسلام ایرانیان و اندلسیان می باشند.^۸

آنچه به تلفیق و باروری مدنیت اسلامی - ایرانی مربوط می شود از این زاویه قابل تأمل است که: «بر اثر باران فیض قرآن کریم، در سرزمین پر استعداد روح ایرانی، معارفی به بار آمد که به سرعت جهان آن زمان را فرا گرفت و دانشمندی ایرانی به وجود آمدند که توانستند برای اولین بار در تاریخ ایران مشعل علم و دانش را در سطحی جهانی برافروزند و خود در سراسر گیتی شناخته شوند.»^۹

به اعتبار آنچه رفت، و بی آن که بخواهیم به رد یا قبول معیارهای این تعامل پردازیم، باید گفت (و پذیرفت) که رشد و شکوفایی مدنیت اسلامی ناشی از بهره گیری درست و خردمندانه از همه دستاوردهای علمی - فرهنگی همعصر خود بوده است؛ حکمی که در بنای جامعه مدنی امروز ایران نیز ناگزیر باید به درستی مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. با این در آمد - که یکی از مجوزهای ورود به مبحث «گفتگوی تمدنها» تواند بود - ویژگیهای عام جامعه مدنی را برای آگاهی جوانان به صورتی کاملاً فشرده بیان می کنیم:

۱- جامعه مدنی در حوزه ای از ارتباط سازمان یافته و هدفمند میان دولت و اعضای جامعه، به شیوه داوطلبانه شکل می گیرد؛

۲- در جامعه مدنی حدود اختیارات هر يك از این دو قطب (دولت - شهروند) شناخته شده، شفاف و علنی است؛

۳- در جامعه مدنی تقویت توانمندی های مثبت افراد و حمایت از ایشان در برابر تهدیدهای احتمالی یا بروز هر گونه اجحاف از سوی دولت یا گروه های فشار، يك اصل است؛

۴- در جامعه مدنی قدرت به شیوه ای کاملاً تراز مند تفکیک و مرز بندی شده است. ورود هر گونه خدشه به این اصل باعث تضعیف جامعه مدنی می شود؛

۵- وجود وجدان و تعهد کاری و انضباط اجتماعی از لوازم تحقق جامعه مدنی است. در این راستا باید توجه داشت که مردم سالاری و شایسته گزینی باعث تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی می گردد؛

○ جامعه مدنی
مجموعه ای از ساختارها،
سازه ها، قوانین و
راهبردهای مدون است که
بر مبنای اهدافی مغایر با
بینش های سنتی، خرافی و
بسته شکل گرفته است.

○ ژان ژاک روسو:
جامعه مدنی نماد آزادی
سیاسی است و
قانونمندیهای آن در
راستای حفظ آزادیهای
فردی در برابر حاکمیت
دولت شکل می گیرد.

۶- از آنجا که جامعه سیاسی برای کسب قدرت دولتی نضج می گیرد، باید توجه داشت که جامعه مدنی بخشی از جامعه سیاسی تلقی نمی شود. گرچه رشد جامعه مدنی از برآیندهای توسعه سیاسی تواند بود، اما سه عنصر از عوامل مؤثر در ثبات جامعه مدنی به حساب می آید:

الف- میزان اعتماد مردم نسبت به دولت؛

ب- تحول فرهنگ سیاسی؛

پ- توانایی دولت در قانونمند نمودن جامعه.

۷- مبحث قانون و ابزارهای روشن، بی طرف و مرزبندی شده آن، اساسی ترین موضوع در طرح اندیشه جامعه مدنی است؛

۷-۱- در جامعه مدنی همه اعضا و شهروندان-

بدون استثنا- تحت نفوذ، مادون و تسلیم محض در برابر قانونند و همگان در برابر همه بخش های قانون از حقوق و وضع یکسان برخوردارند؛

۷-۲- قانون در جامعه مدنی باید به گونه ای طراحی و وضع شود که حتی المقدور قدرت تفسیر به رأی و سوء استفاده از آن به پایین ترین میزان تقلیل یابد؛

۷-۳- در جامعه مدنی ایمن ماندن قانون از هر گزندی يك اصل است؛

۷-۴- تفاوت قانونمندی در جامعه مدنی و دیگر نظام های اجتماعی در آگاهی شهروندان و شیوه های تربیتی و بینش مشخصی است که تمامی سدهای حاکمیت قانون را در هم می شکند؛

۷-۵- و لذا جامعه مدنی، طرحی دقیق از پدیداری متناسب با شرایط و حالات زیست محیطی بشری است که بر آیندهای تجربی و علمی تعامل و گفتگوی تمدن ها، براساس

اراده ای تاریخی، منبعت از آگاهی های فردی و جمعی به وجود آمده است، در حالی که گونه های مختلف نظام های اجتماعی نه براساس يك طراحی معین بلکه بر پایه بعضی نیازها و واقعیات اجتناب پذیر و اجتناب ناپذیر شکل گرفته است؛

۸- آگاهی و آزادی در مواجهه و انکار جهل و استبداد از ضروریات تشکیل جامعه مدنی است؛

۸-۱- در جامعه مدنی شهروندان باید بدانند که برای استیفای حقوق شخصی خود و رعایت حریم حرمت دیگران، چگونه رفتار کنند. همچنین همه اعضای جامعه مدنی باید بدانند که چگونه با افراد

قانون شکن برخورد کنند و در موارد سوء استفاده افراد و گروه های فرصت طلب از قانون، و رانش آگاهی های فردی به چه مرجعی متوسل شوند؛

۸-۲- بدین اعتبار در جامعه مدنی میجرهای حقوقی و قانونی برای همه مردم باز است و عموم اعضا با آگاهی کافی از این میجرها که بر مسیر قوانین شفاف تعبیه شده است استفاده می کنند؛

۸-۲-۱- در جامعه مدنی منابع اطلاعاتی به درستی تعبیه شده است؛

۸-۲-۲- منابع اطلاعاتی یا آگاهی بخشی در جامعه مدنی براساس نگرش واقعگرایانه و شناخت کافی نسبت به انسان، اجتماع و طبیعت و مناسبات این سه قطب شکل گرفته است؛

۸-۲-۳- در نتیجه اعمال روشمند این آگاهی، مدیران ارشد جامعه نیز به وظایف خویش درست عمل خواهند کرد و رویکردهای مدیریتی خود و همکاران سازمانی را براساس استیفای حقوق طبیعی مردم به محک نقد، بررسی، سنجش و پیمایش خواهند گذارد؛

۹- در جامعه مدنی، نهادهای قضایی به عنوان ابزارهای اساسی این جامعه، از جهت سیاسی کاملاً بی طرف هستند؛

۹-۱- در همین چهارچوب، اعضا بر کنار از هر گونه فشارهای روحی، روانی می باشند؛

۹-۲- امنیت مالی، شغلی و جانی همه اعضا تضمین شده است؛

۹-۳- مرزهای متهم و مجرم بودن مشخص است و متهمان تا زمان اثبات قطعی جرم از ایمنی قانونی برخوردارند.

آسیب شناسی جامعه مدنی

اصطلاح آسیب شناسی که بیشتر در علوم تن پزشکی به کار رفته است و استفاده از آن در علوم اجتماعی چندان مأنوس نیست، عبارتست از: «مطالعه خاستگاه بی نظمی ها و نابسامانیها». این اصطلاح از دیدگاه پزشکی به فراگرد ریشه یابی بیماریها اطلاق می شود؛ اما از آن رو که گاهی تشخیص بیماری از تندرستی دشوار است، جامعه شناسانی که این اصطلاح را وام گرفته و از آن Social Pathology را ساخته اند، به سختی

می‌توانند بگویند که مرزهای تثبیت شدهٔ هنجار مندیها در جامعه چگونه است. با این همه، مسلم است که اگر هنجار پذیرفته شده و مرسوم از سوی افراد جامعه نادیده نگاشته شود، کثروی به وجود می‌آید و رفتار و کردار انسانها شکل و شمایل بی‌بیمار به خود می‌گیرد.

در تعریف دیگری، پاتولوژی اجتماعی نوعی تخالف چشمگیر رفتار و کردار انسانی با هنجارهای عمومی دانسته شده است.^{۱۱}

با این درآمد، بخش دوم جستار را که عبارت از بررسی آسیب‌شناسانهٔ جامعهٔ مدنی است آغاز می‌کنیم.

گذشته از این که در غیاب هر یک از پدیده‌هایی که در بخش شکل‌گیری جامعهٔ مدنی بر شمرده شد، این جامعه دچار ضعف و فتور می‌گردد، باید توجه داشت که عوامل زیر نیز از جمله مهمترین اسباب شکنندگی یک جامعهٔ مدنی به شمار می‌رود:

۱- استبداد، شیوع روحیهٔ برتری طلبی فردی و جناحی و گسترش حس استیلاجویی.

تبیین موضوع: حس و روحیهٔ برتری طلبی فردی که در قرآن کریم به فرعون نسبت داده شده است. تا مردم خفیف و خوار شوند و او را اطاعت کنند. دقیقاً در تقابل با نظر «میزان رأی مردم است» قرار دارد، و چه به صورت مبهم انحصار طلبی و نخبه‌گرایی و چه به گونهٔ روشن استبداد. و در بدترین حالت توالتیریسم - مهمترین دشمن جامعهٔ مدنی تلقی می‌شود. شکست کشورهای متکی به نظام‌های توالتیر در دو جنگ جهانی اول و دوم، سقوط حکومت‌های ملی دکتور مصدق و آئنده در غیاب مردم و شکست شبه کودتای ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، و پیروزی ایران در جریان دفاع مقدس بواسطهٔ حضور مردم، بیانگر نقش مهم حاکمیت مردمی در ثبات جامعهٔ مدنی است. ابن خلدون در تبیین این مهم که استبداد، خشونت و ستم مایهٔ تباهی دولت‌ها و ویرانی اجتماعی و عمران است، به تفصیل سخن گفته است؛ از جمله در فصلی تحت عنوان «در این که خشونت و شدت برای پادشاهی زبان بخش است و اغلب مایهٔ تباهی می‌شود» گوید: «اگر سلطان در کیفر دادن مردم قاهر و سختگیر و در امور نهانی ایشان کنجکاو باشد... آنوقت بیم و خواری مردم را فرامی‌گیرد و

سرانجام به دروغ و مکر و فریب پناه می‌برند و بدان خومی گیرند و فساد و تباهی به فضایل اخلاقی آنان راه می‌یابد و چه بسا که در نبرد گاهها و هنگام مدافعه از یاری سلطان دست می‌کشند و به سبب فساد نیت‌ها امر نگهبانی کشور رو به تباهی می‌رود و چه بسا که به علت این وضع غوغا کنند و سلطان را به قتل رسانند و در نتیجه دولت به تباهی می‌گراید... و اساس حصار شهرها به علت عجز از نگهبانی رو به ویرانی می‌رود.

ولی اگر سلطان به رعایا با مهر و ملاطفت رفتار کند و از بدیها و جرایم ایشان در گذرد [مردم] هنگام پیکار با دشمن او جانسپاری می‌کنند و در نتیجهٔ امور کشوری از هر سو به بهبود می‌گراید. و اما توابع حسن رفتار عبارت از نعمت دادن به رعیت و مدافعه از حقوق ایشان است.»^{۱۲}

چکیدهٔ نظریهٔ ابن خلدون:

الف) استبداد، قهر و سختگیری و تجسس در امور شخصی مردم موجب عدم ثبات و امنیت اجتماعی، گسترش چالوسی و چرب‌زبانی، شیوع دروغ و فساد، ناامنی، شورش، شکست در جنگها و ویرانی شهرها می‌شود.

ب) آزادی، گزینشگری عقلایی، مهر و ملاطفت، تسامح و تساهل، موجب ثبات کشور می‌شود.

نکتهٔ مهم در نظریهٔ ابن خلدون تأکید بر «توابع حسن» است، که به نوعی عدالت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (نعمت دادن به رعیت) و قانونمندی جامعه و دفاع دولت از حقوق شهروندان (مدافعه از حقوق ایشان) منجر می‌گردد.

۲- سلب امنیت و آرامش فردی و اجتماعی و تجاوز به حقوق قانونی شهروندان از آفات بزرگ جامعهٔ مدنی به شمار می‌رود.

ابن خلدون در تبیین این مهم گوید: «باید دانست که تجاوز به اموال مردم آنان را از به دست آوردن و بارور کردن ثروت نوید می‌سازد و تجاوز به هر اندازه باشد به همان نسبت رعایا از کوشش در راه به دست آوردن ثروت باز می‌ایستند چنان که اگر تجاوز بسیار و عمومی باشد و به همهٔ راههای کسب معاش سرایت کند، آنوقت مردم به علت نویدی از پیشه کردن انواع حرفه‌ها و وسایل کسب روزی، دست از کلیهٔ پیشه‌ها و هنرها بر خواهند داشت

○ در جامعهٔ مدنی، تقویت توانمندیهای مثبت افراد و حمایت از ایشان در برابر تهدیدهای احتمالی یا هرگونه اجحاف از سوی دولت یا گروههای فشار، يك اصل است.

به‌سود برتری آزادی‌های فردی بر آزادی حاکمیت اقتصادی وارد عمل شدند.

جامعه‌مدنی در انگلستان در پرتو شکوفایی اقتصادی ناشی از دست‌یازی طولانی انگلیسی‌ها به‌ذخایر غنی کشورهای تحت‌سلطه به‌وجود آمد و به‌همین دلیل آن کشور سالها (پیش از ظهور امپریالیسم آمریکا) بخش بزرگی از سرزمینها و بازار دنیا را در اشغال خود داشت.

آلمانها همواره پیشرو نهضت‌های فلسفی در اروپا بوده‌اند و زمینه‌های ظهور و بلوغ مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم در این کشور فراهم آمده است...

اما جامعه‌مدنی اسلامی که می‌تواند الگویی از مدینه‌النبی باشد، بر پایه‌ها و مایه‌های دیگری استوار است. این جامعه بر اساس قوانینی نشأت گرفته از شریعت الهی و عقلی و منطبق دینی شکل تواند گرفت. ابن‌خلدون گوید: «اجتماع بشری امری ضروریست... در هر اجتماعی ناچار باید «اراع» یا «وازع» و حاکمی باشد که مردم به‌وی رجوع کنند و فرمان آن حاکم در میان مردم گاهی متگی بر شرعی است که از جانب خدا نازل شده است... و گاهی فرمان حاکم متگی بر سیاستی عقلی پس از آشنا شدن وی به مصالح جماعت است... و جامعه‌ای را که در آن آنچه سزاوار است از این سیرت حاصل آید «مدینه‌فاضله» می‌نامند و قوانین مراعات شده در آن «جامعه» را سیاست مدنی می‌گویند و منظور حکیمان سیاستی نیست که اهل اجتماع را به‌عنوان مصالح عمومی بدان‌ها می‌دارند، چه این سیاست بجز آن سیاست مدنی است و این مدینه‌فاضله در نزد آنان نادر و نایاب است یا وقوع آن دور است و حکما تنها از لحاظ فرضیه و بطور نظری درباره‌ آن گفتگو می‌کنند.»^{۱۵}

۴- قدرت و ثروت در جامعه‌مدنی: قدرت سیاسی در جامعه‌مدنی به‌جای تداوم یکسویه حکومت نخبگان، بر اساس گردش نخبگان و بر مبنای مراجعه به افکار عمومی تعریف می‌شود. در این رابطه ۳ عامل: الف) نزدیکی بیش از پیش قدرت و ثروت، ب) انتقام سیاسی، و ج) تکیه بر مخالفت‌های غیر اصولی، از مهم‌ترین آسیب‌های جامعه‌مدنی به‌شمار می‌رود.

الف- هر قدر رابطه قدرت و ثروت تنگاتنگ و

[و در این صورت یعنی کم شدن بازار کار و کوشش] بازارهای اجتماع و آبادانی بی‌رونق و کاسد می‌شود و احوال متزلزل می‌گردد و مردم در جستجوی روزی از آن سرزمین رخت برمی‌بندند و در نواحی دیگر پراکنده می‌شوند و در نتیجه جمعیت آن ناحیه تقلیل می‌یابد و شهرهای آن از سکنه خالی می‌شود.»^{۱۳}

ابن‌خلدون برای آن که نشان دهد از یک‌سو ستمگری ویران‌کننده آبادانی و اجتماع است و نتیجه این امر به سقوط دولت می‌انجامد، و از سوی دیگر عدالت اجتماعی در سایه دین و فرمانبری از خدا و عمل کردن به اوامر و نواهی شریعت او سبب عزت و آبادانی شهرها می‌شود به حکایتی از مسعودی که در ضمن اخبار ایرانیان آورده است استناد می‌کند: «موبدان پیشوای دین آنان در روزگار بهرام پسر بهرام به‌طور کنایه پادشاه را از ستمگری و غفلتی که از نتیجه آن عاید دولت می‌شود، نهی کرد و در این باره مثالی از زبان جغد برای پادشاه آورد: چه هنگامی که پادشاه آواز جغد را شنید پرسید آیا گفتار این پرند را می‌فهمی؟ موبدان گفت: آری. جغد نری می‌خواهد با جغد ماده‌ای جفت شود و جغد ماده شیر بهای خود را بیست ده ویرانه شرط می‌کند از دبه‌هایی که در عصر بهرام ویران شده است تا در آنها به نوحه‌سرایی و زاری پردازد و نر شرط ماده را پذیرفت و به‌وی گفت: اگر فرمانروایی این پادشاه ادامه یابد هزار ده ویران هم به‌عنوان تیول به تو خواهم بخشید و چنین شرطی از هر خواسته دیگر آسانتر است.»^{۱۴}

چنان‌که پیداست، ابن‌خلدون دو عامل «خودکامگی و یگانه‌سالاری حکومت» و «سر باز زدن از مشارکت دادن دیگران در امر فرمانروایی» را باعث ویرانی شهرها و سقوط و تجزیه دولت‌ها می‌داند:

۳- قانونمندیهای جامعه‌مدنی (اسلامی) از شریعت و عقل منبعث شده و تحت حاکمیت مشخصی در آمده است:

همان‌طور که دانسته است، جامعه‌مدنی در سه کشور فرانسه، آلمان و انگلستان از مجرای توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی (فلسفی) تحقق یافته است. فرانسویها در جریان انقلاب بزرگ بورژوازی خود توجه زیادی به توسعه سیاسی نشان دادند و

○ جامعه‌مدنی بخشی از جامعه‌سیاسی شناخته نمی‌شود. گرچه رشد جامعه‌مدنی از برآیندهای توسعه سیاسی تواند بود، اما سه عنصر از عوامل مؤثر در ثبات جامعه‌مدنی به‌شمار می‌آید: اعتماد مردم به دولت؛ تحول فرهنگ سیاسی؛ توانایی دولت در قانونمند کردن جامعه.

نزدیک شود، به همان میزان توسعه سیاسی در جامعه مدنی دستخوش ناهمترازی می گردد. توجه به این دو نکته که:

الف - در کشورهای توسعه یافته معمولاً از ثروت به قدرت می رسند؛

ب - در کشورهای عقب مانده از قدرت به ثروت می رسند (ورضا خان نمونه بارز این موضوع است)، ما را با حقایق ملموس آشنا می سازد.

ابن خلدون در تشریح این موضوع، در فصلی تحت عنوان «در این که سلطان و کارکنان در گاه فرمانروایی او در اواسط یک دولت به توانگری نایل می آیند» سخن گفته و عمده واکره دولتمردان تاریخ میانه را از جمله کسانی دانسته است که از قدرت به ثروت رسیده اند.^{۱۶}

ب - انتقام سیاسی - این عامل پاتولوژیک زمانی گریبان جامعه مدنی را می گیرد که گردش نخبگان حاکم دچار وقفه شده باشد. در این صورت نه تنها انتقام سیاسی جایگزین فرهنگ سیاسی می شود بلکه استبداد حاکم راه بالندگیهای فرهنگ و اندیشه انسانی را مسدود می سازد (نمونه بارز این جریان تسلط فاشیسم در آلمان و ایتالیاست).

در جامعه مدنی که نخبگان بر اساس آرای آگاهانه مردم به قدرت می رسند، برخورد و مقابله حقوقی اکثریت پیروز در برابر اقلیت شکست خورده کاملاً تعریف شده است. در این حالت، به هنگام برنامه ریزی، طرح این موضوع که چه کسی یا گروهی از چه کسی یا گروهی حمایت کرده اصولاً بيمورد است. گذشته از آن، نیروی بازنده - یا کنار رفته از قدرت - داوطلبانه این حق را به نیروی برنده - یا به قدرت رسیده - واگذار می کند که در شرایطی کاملاً آزاد و فارغ از هر گونه اهرم های فشار تصمیم گیری نماید. بدین سان، فرهنگ سیاسی جایگزین انتقام سیاسی می گردد و یکی از ارکان جامعه مدنی قوام می یابد.

ج - در جامعه مدنی اقلیت حق دارد از مجراهای قانونی و قراردادهای اجتماعی در کار اکثریت دخالت و حتی با آن مخالفت کند. این موضوع را نباید با مسأله عنادورزی، کارشکنی و مخالفت های غیر اصولی و غیر قانونی یکی پنداشت.

۵ - ن و القلم و مایسטרان: در یک جامعه مدنی تشبیت شده، نیروی اندیشه، تعقل و قلم، قدرت

غالب است و به همین دلیل شمشیرها در نیام هستند. ابن خلدون بر ضرورت قدرت نظامی (و به تعبیر وی شمشیر) در آغاز و فرجام کار دولت ها تأکید می کند. با توجه به این که اندیشه دموکراسی و جمهوری در زمان ابن خلدون به صورت فعلی مطرح نبوده است، جامعه شناس بزرگ ما از نیروی قهر آمیز برای کسب قدرت سیاسی در آغاز کار دولت ها یاد کرده است^{۱۷}؛ به همان گونه که در پایان کار حکومت ها یعنی آن زمان که دولت رو به ضعف و انحطاط می رود، برای مقابله با خطرات و تهدیدها، شمشیرها از نیام بیرون می آیند. اما در حد واسط، یعنی در زمان آرامش و امنیت، حضور قلم (و اندیشه و تفکر) بر چکاچک شمشیرها می چربد. در چنین حالتی ابزارهای نظامی از دور خارج هستند و کاری از آنها ساخته نیست مگر آن که غائله ای روی دهد یا تجاوزی به کشور صورت گیرد و شمشیر را برای بستن آن بطلبند. جز در چنین مواردی، هیچ نیازی به شمشیر پیدا نمی شود. از این رو در این مرحله خداوندان قلم شکوهمندترند و به پایگاه بلندتری نایل می شوند و نعمت و ثروت بیشتری به دست می آورند.

نیروی قلم به تعبیر ابن خلدون، یا قدرت آگاهی بخشی رسانه ای، دقیقاً در جامعه ای که به ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی رسیده است، حضور مفید خود را اعلام می کند. بدین اعتبار، وجود ثبات و امنیت سیاسی، و بالندگی اندیشه و آگاهی در جامعه مدنی لازم و ملزوم یکدیگرند و ضعف هر یک از این دو عنصر به افول قدرت دیگری می انجامد.

«آسیب شناسی قانون گرایی»

(بررسی و باز نمود بایدها و نبایدهای

حاکمیت قانون)

از آن رو که تار و پود چند مقوله قانون، نظم، انضباط اجتماعی، وجدان، آموزش و فرهنگ عمومی در شبکه های پیچیده چنان به هم تنیده است که به دشواری می توان بر تقدّم و تأخّر یکی از این شاخص ها بر دیگری انگشت گذاشت، ناگزیر باید گفت - و پذیرفت - که در فراگرد تکاملی هر یک از این پدیده ها گونه های ارتباط تعاملی برقرار است،

○ در جامعه مدنی همه شهروندان، بدون استثناء تحت نفوذ، مادون و تسلیم محض قانونند و همگان در برابر همه بخشهای قانون حقوق و وضع یکسان دارند.

چنان که سخن گفتن از يك متغیر یا فی المثل زیر بنا در تحلیل و توصیف این گفتمان سخت دشوار است.

مسئله است که، حاکمیت قانون و وجود قانونمندی در مناسبات انسانی، به استقرار نظم و ایجاد انضباط اجتماعی می انجامد، کما این که فقدان فرهنگ نظم پذیری و انضباط اجتماعی به هرج و مرج و شکسته شدن مرزهای قانون منجر خواهد گردید. از سوی دیگر، باید توجه داشت که در غیاب وجدان فردی و گروهی، و دو عامل مهم آموزش مردمی و فرهنگ عمومی، نه تنها طرح و شرح قانون نگاری به هدیانی بیش نمی ماند، بلکه نباید انتظار داشت که در چنان خلأ وحشتناکی سنگ روی سنگ بند شود.

راقم این سطور، در مقاله ای که به همایش جامعه مدنی و اندیشه دینی^{۱۸} ارائه کرده و محورهای آن را به تفصیل در مطبوعات بر رسیده، به موضوع قانون گرایی در جامعه مدنی پرداخته است.^{۱۹}

در این مجال، بی آنکه بخواهیم به بررسی نظر اصحاب قانون، از جمله هابز، لاک، کانت، روسو، و منتسکیو بپردازیم، به ذکر همین نکته بسنده می کنیم که: «از جمله پیش شرط های جامعه مدنی، ایمان به نظم و قانونمندی است، بویژه از سوی قانون گذاری که مقوم و مروج قوانین است. نابوری و بی اعتقادی قانون نگاران به قانون منجر به لوٹ شدن اهمیت نظم و مقررات اجتماعی می شود و در درازمدت به همان حالتی می انجامد که آن را امحای شخصیت حقوقی می خوانیم. مردم در چنین حالتی قانون را قیدوبندی می بینند که برای سرکوب آنان به مثابه زندانیانی محکوم، وضع شده است.»^{۲۰}

قانون، نظم، انضباط اجتماعی:

انضباط اجتماعی - که می تواند یکی از برآیندهای قانون نگاری به شمار آید - عبارتست از: قانونمند بودن تک تک افراد جامعه، و قانونمندی در این فرآیند، یعنی معقولانه ترین روش زندگی و بهره وری حقیقی از منابع موجود. بطور کلی باید در نظر داشت که مفهوم نظم مؤید انتخاب صحیح

تجهیزات و استفاده شایسته از آنها در جای مناسب می باشد. نظم ناشی از رعایت قانون و استقرار عادلانه مناسبات اجتماعی - بر خلاف نظم ناشی از رفتارهای مسخ شده - نه فقط عمیق و اصیل است، بلکه حاکی از رشد فرهنگی و بالندگی فکری جامعه است. کما این که بی توجهی به قانون منجر به هرج و مرج، درگیری، تشنج، بی ثباتی، گسترش فساد، ناامنی و تباهی و در نتیجه توسعه نیافتگی می شود. سوگمندها باید گفت با این که شعار انضباط اجتماعی و قانون گرایی پیوسته سر لوحه دستورالعمل های متفکران و مصلحان اجتماعی و نیز مسئولان نظام بوده است، آمار نگران کننده ای منتشر می شود که سخت شایسته تأمل و بررسی است.

«آمار منازعات و درگیری های افراد با یکدیگر در سال ۷۵ نسبت به سال ۷۴ به میزان ۴۵٪ افزایش یافته است. . . . رییس سازمان پزشکی قانونی در این باره اعلام کرد که ۴۲۳ هزار و ۸۹ نفر در سراسر کشور به دلیل نزاع و درگیری به مراکز این سازمان در سراسر کشور مراجعه کرده اند. از این تعداد ۷۲ هزار و ۸۸۶ نفر در استان تهران و ۳۵۰ هزار و ۲۰۳ نفر در دیگر استانها آسیب دیده اند.»^{۲۱}

بدیهی است، وقتی سخن از ۴۵٪ افزایش قانون شکنی، هرج و مرج، و درگیری به طرق مختلف می رود، پای بسیاری از مسایل و پدیده ها نیز به میان می آید. این که افراد به چه دلیل و تحت چه شرایطی به نزاع پرداخته اند، در بحث ما نه صورت مسأله است و نه در تحلیل و تحلیل موضوع اهمیت چندانی دارد. نکته مهم این است که تمام این افراد، اعم از سالم یا روان پریش، به علت فقدان آموزش و عدم آگاهی از مجراهای قانونی برای استیفای حقوق طبیعی و تضییع شده خود، پنجه در پنجه هم افکنده و گلاویز شده اند. پیداست که در نتیجه ۴۵ درصد افزایش درگیری های اجتماعی اقدامات زیر به خودی خود و ناگزیر صورت می گیرد:

- گسترش حجم نیروی انتظامی، دادگستری، زندانها و تمام عوامل تنبیهی در سطح نیروی انسانی و امکانات و تدارکات مربوطه. . . .
- تل انبار شدن پرونده های جنحه و جنایت در

○ قانون در جامعه مدنی باید به گونه ای طراحی و وضع شود که حتی المقدور قدرت تفسیر به رأی و سوءاستفاده از آن به کمترین میزان برسد.

اتاقهای دادگستری، ضرورت بزرگتر و عریض و طولیتر شدن تشکیلات این اداره.

در جریان این هرج و مرجها، گروهی مجروح می شوند و بار درمانی قابل توجهی بر دوش مراکز اورژانس و بیمارستانها می افزایند.

بی ثباتی اجتماعی و تنش های روانی که از ناحیه بی توجهی به مناسبات قانونی گریبان جامعه را می گیرد، در جای خود محتاج تفسیر دیگری است.

با توجه به آنچه رفت، نباید تعجب کرد چرا روز به روز بر طبقات ساختمانهای دادگستری افزوده می شود! چرا ترافیک انسانی در راهروهای دادگستری و حجم تجمع مردم پشت اتاق دادیاران و بازپرسان، به گونه ای وحشتناک بر می آماسد و باد می کند.

در غیاب قانونمندی روانی؛ در فقدان

هنجارمندی اجتماعی

این نظریه ایپیکور را که «اگر کسی تنها و بی مهار قوانین اجتماعی زندگی کند، زیست نامه وی بی شباهت به زندگی یک گرگ نخواهد بود...» آدامیرال بیرد Admiral Byrd جامعه شناس آمریکایی در عمل آزموده است. وی برای این که نتیجه غیبت شولای قانون را بر تن و جان خود شخصاً تجربه کند به اتاقی در اعماق جنگل پناه برده و به نوعی تن به قانون جنگل سپرده است:

«به علت این که تنها هستم و کسی مراقب من نیست [دوری از پرتوی قانون] هر کاری دلم می خواهد انجام می دهم. مثلاً آداب غذا خوردن را از دست داده به جای کارد و چنگال با دست غذا می خورم. تنهایی یک آزمایشگاه است تا نشان دهد رفتار و اخلاق فرد تا چه اندازه بر پایه خواست و نیازهای اجتماعی و قانونی تنظیم و به مرحله ظهور می رسد. من در تجربیات تنهایی به نتایج شگفتی رسیدم. در زندگی قانونمدار و اجتماعی، من آدمی بودم که هر روز نظافت می کردم، ولی زمانی که از حیطة و پرتو قانون و هنجارهای اجتماعی دور شدم، ریش انبوهی پیدا کردم و موهای سرم تاروی شانه هایم رسیده بود. اگر چه شکل ظاهری برای من مهم نبود، اما سعی داشتم بفهمم که در آن حالت بخصوص، یعنی وقتی انسان تحت کنترل قانون و

زیر تأثیر هیچ نیروی بازدارنده اجتماعی نیست، چه احساسی می یابد...»^{۲۲}

در این جا ممکن است این نکته مطرح شود که ارزش ها، قوانین و هنجارهای ثابت اجتماعی از کدام اصل غیر قابل عدول ریشه می گیرد و ویژگی فرهنگی آنها چیست؟

باید توجه داشت که اعتبار و کیفیت قانونمندیها و هنجارهای اجتماعی از يك جامعه به جامعه دیگر، حتی در جوامع چندگانه Plural societies ممکن است تفاوت کند. به یاد داشته باشیم که ارزش های^{۲۳} انسانی و باورهای سازمانی و اجتماعی^{۲۴} با عنایت به قانونمندیهای هر جامعه و در چهارچوب فکری "Paradigm"^{۲۵} مکاتب مختلف، تعریف و تبیین می گردد و با این همه در هر صورت از ادراك فرهنگی آن جامعه نشأت می گیرد. و حیف است ناگفته بگذریم که فرهنگ از سه خصوصیت انتقال پذیری، آموزشی، و همگانی بودن برخوردار است و در مفهوم عام خود تمام نهادهای قانونی و غیر مادی از جمله مختصات رفتاری و مشخصات پنداری و الگوهای دامنه دار و وسیع اجتماعی را فرامی گیرد. بدین اعتبار اگر فرهنگ پذیری جامعه را يك گام بلند در جهت تحقق حاکمیت قانون بدانیم، ناگزیر از تذکر مواردی از پاتولوژی اجتماعی Social Pathology^{۲۶} قانون شکنی با توجه به اتیولوژی Ethiology بز هکاری هستیم.

عوامل ساخت شکنانه قانون

Deconstructural law

الف- بیسوادی؛ مثل روز روشن است که منظور ما از مقوله بیسوادی، منحصر به پدیده «سواد حرفه ای» functional یا سواد لفظی verbal literacy نمی شود. در اینجا دقیقاً مراد ما به گسترش آموزش مردمی popular education و مبارزه با هر چه به سوء تربیت miseducation منجر می شود، مربوط می گردد. با توجه به این که جهل از قانون دلیل برائت از جرم نیست، لذا پرداختن به ترویج و تبلیغ قانون نگرای، بویژه در میان پایین ترین اقشار و آحاد جامعه ضرورتی حیاتی دارد. در این راه رسانه های گروهی، بویژه صدا و سیما و مطبوعات، نقش بسیار مهمی بازی می کنند،

○ استبداد، گسترش روحیه برتری جویی فردی و جناحی و حس سلطه طلبی از جمله مهم ترین اسباب شکنندگی يك جامعه مدنی است.

اجتماعی را زیر پای می گذارند، سرقت می کنند، دروغ می گویند، با مهارت و زرنگی خاصی از مجازات می گریزند، با سنگدلی و خشونت با دیگران برخورد می کنند و...^{۲۸}

آیا راستی وجود چنین مجموعه خطرناکی که هر لحظه حریم قانون را تهدید و تحدید می نمایند ما را به تأمل بیشتر در شناخت پاتولوژی قانوننگرایی واثمی دارد؟

بررسی آمار

گذشته از همه خلافکارانی که با انواع ترفند و حيله از چنگال قانون گریخته اند، زندانیان هر کشور افرادی هستند که هر يك به نوعی هنجارها و قوانین رایج را زیر پا گذاشته اند. بنا به اعلام رسمی سازمان زندانهای جمهوری اسلامی ایران در فروردین ماه سال ۱۳۷۵، جمعاً ۱۰۹۰۸۲ نفر، کل زندانیان را تشکیل می داده اند.

جدول شماره ۱

نوع آمار	کل زندانیان موجود
زن ۱۸ سال و بالاتر	۴۱۲۹ نفر
زن زیر ۱۸ سال	۱۳۹ نفر
مرد ۱۸ سال و بالاتر	۱۰۱۸۰۰ نفر
مرد زیر ۱۸ سال	۳۰۱۴ نفر
جمع کل	۱۰۹۰۸۲

بنابر آمار جدول شماره ۱، تمایل مردان بالای ۱۸ سال به قانون شکنی ۲۵ برابر زنان هم سن و سالشان بوده است. مضافاً این که این نسبت در افراد زیر ۱۸ سال، ۲۲ مرد در برابر يك زن بوده است.

در تحقیقی که توسط واحد پژوهشی مرکز آموزشی مدیریت زندانها و اصلاح و تربیت زندانیان در مورد ۱۲۴ نفر از نوجوانان بزهکار پسر، از راه نمونه گیری تصادفی صورت پذیرفته، مشخص شده که نوجوانان شهری ۴/۴۵ برابر نوجوانان روستایی دست به تخلف و قانون شکنی زده اند و بیشترین میزان بزهکاری مربوط به خانواده های پرجمعیت شش نفره، هفت نفره و... بوده است.

چنان که از جدول شماره ۲ پیداست، از میان

ضمن این که تعمیم روحیه قانوننگرایی باید از کودکی و توسط کانونهای خانوادگی، و نهادهای پرورشی و آموزشی آغاز گردد.

امیل دورکیم، معتقد بود که تمام جوامع بشری کم و بیش با انواع و اقسام قانون شکنی و شیوع بزهکاری روبرو هستند و این نابسامانی از ساختار خود جامعه نشأت می گیرد. اما زمانی که قانون شکنی و جرم از حدود مشخصی فراتر رفت، آنگاه می توان شیوع يك بیماری اجتماعی را ابلاغ نمود.^{۲۷}

تردید نباید داشت که همه جرایم، و تخلفاتی که به مشکلاتی روانی یا نابسامانیهای بیولوژیک و فیزیولوژیک افراد مربوط نمی شود از فقدان قدرت آموزشی جامعه، فاصله طبقاتی، بی عدالتی ها، سستی قانونمندیها و ضعف ضوابط و فشارهای مثبت اجتماعی در قبال مجرمان و هرج و مرج طلبان ناشی می شود و بیش و پیش از هر نکته دیگر نمایانگر اختلاف در باورها و ساختار جامعه و ایراد اساسی در تنظیم و تدوین و اجرای صحیح قوانین است.

ب- عوامل بیولوژیک قانون شکنی؛ روان پریش ها (سایکوپاتها) با اعتقادات هذیانی، که دچار اختلال در سنجش واقعیات اجتماعی هستند و در يك تخمین نسبی ۲/۵٪ افراد جامعه را می سازند. یعنی تقریباً دو میلیون نفر در جامعه جمعیتی ایران- از جمله افراد مستعد قانون شکنی به شمار می روند. همچنین انسانهای کند ذهن و کم هوش (عقب ماندگان ذهنی)- گرچه فی نفسه قانون شکن نیستند- اما به علت جهل و فقدان آینده نگری همواره در معرض تخلف از قانون قرار دارند. ۲۵٪ مجرمان جوان را کند ذهن ها تشکیل می دهند؛ ضمن این که ۱٪ افراد هر جامعه از همین گروه تشکیل شده است، یعنی تقریباً ششصد هزار نفر در ایران. از سوی دیگر، افرادی که به هر علت دچار اختلال شخصیت شده اند و شناسایی آنها به سادگی ممکن نیست، ویژگیهای زیر را دارند:

اعتقادی به قانون ندارند، به راحتی قوانین

○ روحیه برتری طلبی فردی که در قرآن کریم به فرعون نسبت داده شده است، دقیقاً در تقابل با اصل «میزان رأی مردم است» قرار دارد و چه به صورت مبهم انحصار طلبی و نخبه گرایی و چه به گونه روشن استبداد، بزرگترین دشمن جامعه مدنی تلقی می شود.

جدول شماره ۲- میزان عیالواری

سه نفره	چهار نفره	پنج نفره	شش نفره	هفت نفره	هشت نفره	نه نفره	ده نفره
۲ نفر	۹ نفر	۱۰ نفر	۱۹ نفر	۲۶ نفر	۱۶ نفر	۱۶ نفر	۱۰ نفر

سرقت	شرارت	منکرات	قتل غیر عمد	مواد مخدر	فرار از منزل	کلاهبرداری	قتل عمد	جمع کل
۸۸ نفر	۱۴ نفر	۱۱ نفر	۴ نفر	۳ نفر	۲ نفر	۱ نفر	۱ نفر	۱۲۴ نفر

۱۰۸ نوجوانی که پرسشنامه را تکمیل کرده اند، ۸۷ نفر در خانوارهای پر جمعیت بالای شش نفر و ۲۱ نوجوان دیگر در خانوارهای زیر پنج نفر می زیسته اند. نکته قابل توجه، عدد ۲ در خانوارهای ۳ نفره می باشد.

در خصوص فراوانی جرایم، از جمع ۱۲۴ نوجوان مورد نظر ۸۸ نفر به علت سرقت و فقط يك نفر به علت قتل عمد زندانی شده اند.

کمی تأمل در آمار جدول شماره ۳، کارشناسان علوم اجتماعی را به تعلیل زمینه های سرقت و شرارت در نوجوانان فرامی خواند و توجه ما را تجزیه و تحلیل عواملی چون عدالت اجتماعی و آموزش و پرورش و فقدان آنها در بسترسازی تحولات اجتماعی جلب می کند.

منابع، مآخذ و پی نوشتها:

۱. صاعد اندلسی، طبقات الامم، برگردان سید جلال الدین طهرانی، چاپ اول، تهران، مطبوعه مجلس، ۱۳۱۰، صفحه ۱۷۱.
۲. ابن سینا، الشفا المنطق المدخل، چاپ سنگی، بدون تاریخ، صفحه ۱۰.
۳. علی بن حسین بن علی مسعودی، مروج الذهب، چاپ دوم، تهران، علمی-فرهنگی، ۱۳۶۹، ج دو، صفحه ۲۱۰.
۴. شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات از حکمة الاشراق، به اهتمام ه. کرین، تهران، ۱۳۳۱.
۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دار حمادر، ۱۳۹۹، ج ۲، صفحه ۸۸۷.
۶. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سوم، تهران، فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۱، صفحه ۱۰۸.
۷. حاجی خلیفه، کشف الظنون، چاپ استانبول، ۱۳۶۰ ه.ق.
۸. طبقات الامم، پیشین.
۹. حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، برگردان احمد آرام، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۶.
10. A Dictionary of Sociology, ed. G. D. Mitchell, London. 1969.
11. Dictionary of Modern Sociology, Thomas Ford. Hoult Arizona State University, 1972.

۱۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، برگردان: محمد پروین گنابادی، چاپ پنجم، تهران، علمی-فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۲.

۱۳. همان، ص ۵۲۲.

۱۴. همان، ص ۵۵۳.

۱۵. همان، ص ۵۹۰.

۱۶. همان، ص ۵۴۴.

۱۷. همان، ص ۴۹۱.

۱۸. نخستین همایش جامعه مدنی و اندیشه دینی، به اهتمام نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی شیراز، اسفند ۱۳۷۷.

۱۹. دکتر محمد قراگزلو، «جامعه مدنی چگونه جامعه ای است»، روزنامه همشهری، سه شنبه ۱۶ تیر ۱۳۷۷، سال ششم، شماره ۱۵۸۳.

۲۰. کریم اسد سنگانی، «در جامعه مدنی آزادی و قانونمندی لازم و ملزوم یکدیگرند»، روزنامه ایران، سه شنبه ۵ آبان ۱۳۷۷، شماره ۱۰۸۰.

۲۱. به نقل از: هفته نامه خانه؛ چهارشنبه ۱۳۷۶/۴/۱۱ ش ۱۱-ص ۱۵.

22. Byrd A, Alone - New York, 1983, p.125.

23. Milton Rokeach, **The nature of human values**, New York: Free Press 1973, p. 55.

24. Robert Kreitner and Angelo Kinicki, **Organizational Behavior**, 2nd edition, Boston, MA: Irwin 1992, p. 102.

25. Thomas S. Kuhun, **The structure of scientific Revolutions** (Chicago University Press, 1962) p. 227.

26. A Dictionary of Sociology, EDGD Mitchell, London 1969.

- Dictionary of Modern Sociology, Thomas Ford, Hoult. Arizona State University, 1972.

۲۷. نقل به مضمون از: دور کیم. امیل؛ قواعد روش جامعه شناسی؛ برگردان علی محمد کاردان، چاپ دانشگاه تهران. بی تا.

۲۸. دکتر قافله باشی. حسین؛ علل روانشناختی جرم (مقاله)؛ مجموعه مقالات بررسی راههای عملی حاکمیت وجدان کاری و انضباط اجتماعی؛ زیر نظر: محمد قراگزلو؛ چاپ اول، تهران، سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی؛ ۱۳۷۷، (ص: ۲۱۹)

○ در کشورهای توسعه یافته معمولاً از ثروت به قدرت می رسند و در کشورهای عقب افتاده از قدرت به ثروت.